



هویت سازی زنان در دفاع مقدس

مریم فلاح شجاعی^۱

۲۹

چکیده

هویت هر آدمی متفاوت و خاص، همانند اثر انگشت اوست. همانطور که انسان‌ها، هویت‌های متفاوت جامعه را شکل می‌دهند. هویت‌های انسان‌ها هم در کنار هم فرهنگ ساز می‌شود. وقتی یک جامعه فرهنگ غنی دارد یعنی هویت افراد آن جامعه از ثبات و ارزش والایی برخوردارند و بنیاد این هویت و فرهنگ از خانواده و ریشه‌ی آن از مادر(یک زن) نشأت می‌گیرد که باعث پردازش شخصیت و هویت سالم و غنای فرهنگی می‌گردد. جمع هویت افراد، هویت اجتماع را شکل می‌دهد و فرهنگ هویت ساز بر انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. شخصیت‌ها، نشانگر واقعیت‌های جامعه‌ای هستند که در آن زندگی می‌کنیم و «جنسیت» به عنوان یکی از عناصر اصلی سازنده شخصیت است. آفرینندگی، ویژگی فطری زن است لذا هویت سازی زنان در تمامی عرصه‌ها نمودار است از این روی در این مقاله به هویت سازی زنان در دفاع مقدس توجه شده است.

کلیدواژه‌ها: شخصیت، دفاع، جنگ، زنان، هویت، مبارز.

دوره ۸، شماره ۲، پیاپی ۲۹

تابستان ۱۴۰۳

مقاله علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۸/۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۴/۱۵

صص: ۲۱۰-۱۹۹

شابا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



Q4

۱. کارشناسی ارشد ادبیات فارسی (پایداری) دانشگاه سوره، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

فروپاشی شناخت هویت و چگونگی هویت سازی مهمترین مسئله در هر جامعه است. اگر هویت ها و الگوهای هویت ساز مشخص شوند میتوان هدف مشخصی نیز تعیین کرد و هویت اجتماعی و فرهنگی قوی تری ایجاد کرد و پایه های فرهنگی جامعه را استحکام بخشید. ماهیت اجتماعی و فرهنگی جامعه به هویت افراد آن جامعه بستگی دارد. با تغییر شخصیت های متغییر و اکتسابی و ساماندهی به هویت ها و هدفمند کردن هویت ها می توان، توان فرهنگی جامعه را بالا برد و به پیشرفت جامعه کمک بزرگی کرد و قدرت فرهنگی باعث عزت نفس و پیشرفت همه سوی جامعه خواهد شد. بی شک انقلاب و جنگ تحمیلی تحولی اساسی و ژرف در وضعیت و هویت زنان ایران بوجود آورده است. به جایگاه و منزلت واقعی آنان و رشد و شکوفایی هویت زنان ایران اعتلا بخشیده است نقشی که در هیچ دوره ای از تاریخ چنین پررنگ و واضح نبوده و باعث شد که زن ایرانی به همه دنیا معرفی شود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هویت بخشیدن به زن و تعریف جایگاه زنانه و مادری و همسری در خانواده و لایه به لایه نظام اجتماعی زنان توانسته در فرایند مشارکت اجتماعی و هویت بخشی زنان به ثمر برسد به طوری که حضور زنان در جامعه علمی و دانشگاهی و سیاسی - اجتماعی و... پر رنگ و مورد توجه قرار گرفته است.

نگرش ها

نمادهای مذهبی تا زمانی که بهره برداری نشده اند، تا زمانی که مصرف نشده اند، تا زمانی که از شدت استعمال نخ نما نشده اند، بخوبی دوام خواهند آورد و در میان امواج متلاطم زندگی مدرن به «حریم ها» به «پناهگاه ها» و به «حرم های تأمل» بدل خواهند شد. چنین است که در کشورهای اسلامی، در طی دهه های طولانی، ارزش های معنوی توانسته اند در محیط خود و در برابر لائیسیتی ی در حال رشد که فضای عمومی را در میان می گرفت حفظ شوند و دوام یابند. این جدایی هیچگاه به مذهب غرض نورزیده است، برعکس، به مذهب فرصت داده است که گسترش یابد و حتی در جایگاه ویژه خود از خود باز گیرد. امروز، به دلیل همزیستی فضاهایی که از نظر تاریخی باهم فاصله دارند، مذهب امری خصوصی خواهد شد. زیرا

که به طور کلی با رابطه ما با یک فرهنگ معنوی معین، با آشنایی ما با زبان نمادین آن، و با دستیابی ما به نظام مستر آن سروکار دارد. خلاصه آنکه، پیوند شخصی ما را با ارزش های عظیمی که نسل به نسل به ما رسیده اند آشکار می کند. البته، ما در جهانی بکلی فرو پاشیده و تکه تکه زندگی می کنیم که در آن همه تفاوت های فرهنگی با هم یک کاسه شده است و نتیجه ی آن امکان فتح باب به دیگر اقلیم های وجود است:

انسان می تواند معاش معنی اش را در آیین بودا، در طریقه هندو، و حتی نزد شمن های آمریکایی بومی بیابد؛ و چرا که نه.

انسان امروز از طیف گسترده ای از امکان و انتخاب بهره مند است. ی تواند به آسانی از یک منطقه معنوی به منطقه ای دیگر بلغزد، از حافظه های دیگر استفاده کند، از آنها مایه بگیرد، غنا یابد، و این مانع از آن نمی شود که شخص رابطه ویژه خود را با فرهنگ خود، اگر چه در سطح تصاویر و خاطره و خیال، حفظ کند. میراث تخیلی تنها بر فرهنگ اثر نمی کند، بلکه خلیات و اطوار ما، آیین های مربوط به قدرت و روابط اجتماعی ما را نیز تعیین می کند. از این روست که پیوند زدن یک رژیم سیاسی به یک بدن اجتماعی، که تجربه تاریخی اش محصول روندی بلکی متفاوت است، خوب نمی گیرد. زیرا هر فرهنگی تخیل سیاسی خود را دارد و برای نشاء کردن نوع تازه حکومت باید هم به این داده های ناخودآگاه توجه کرد و هم پیشاپیش زمین را برای دریافت و پرورش آن آماده ساخت. وگرنه شاهد التفاظ هایی از آن دست که در کشورهای جهان سوم سر از خاک بیرون می آورند و پا می گیرند خواهیم بود. (شایگان، ۱۳۸۵)

ارزش ها

نقش آفرینی زنان در دفاع مقدس و به عبارتی در تمامی عملیات های جنگی جوامع در روند پیشرفت و نزدیک شدن به هدف تأثیر گذار و ضروری بوده است زیرا که زن در همه عرصه ها یا دلیل مبارزه هستند یا حامی و خط دهنده و مبارزگران، از نقش آفرینی زنان در خانواده شروع کنیم تا عمق پیش رویم و ببینیم که یک زن به عنوان مادر چقدر به استحکام و قدرت تعمق و تعمق و تفکر و هدف دادن به فرزندان و همسر می تواند مفید و متأثر باشد همانگونه هم دختران خود را تربیت خواهد کرد و به پسران خود هدف و ایده و اخلاق می دهد.

«جایگاه و نقش زنان با توجه به محدودیت های مختلفی که با آن ها دست به گریبان اند، موضوعی قابل تحقیق در تمام جوامع و برهه های تاریخی است. شناسایی و تحلیل حقوق زنان در یکی دو سده اخیر اهمیت زیادی پیدا کرده است؛ زیرا بر اثر تحولات فکری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، زنان در پی نقش موثرتر و آشکارتری در جامعه بوده و به این منظور حقوق سیاسی و اجتماعی متعدد را مطالبه کرده است.» (طغرانگار، ۱۳۹۸)

وضعیت

هویت فرهنگی، اشرف و مشرف بر همه هویت هاست.

نگرش ذهنی مردم هویت فرهنگی آنان را می سازد و جامعه بر آن اثر می گذارد. تفاوت های فرهنگی از وسط مرزهای قومی عبور می کند. هویت مجموعه معانی تفهیمات افراد از خود و دیگران است و این پدیده در زمان و مکان محدود نمی گنجد و ثبات ندارد بلکه متغیر و در حال تکامل است. گیدنز جامعه شناس در کتاب «تجدد و تشخیص» (۱۳۷۸، ۳۲) هویت را تعریف کرده و فرایند تشکیل آن را مطرح نموده است. بین هویت شخصی و اجتماعی تفاوتی قائل نشده و معتقد است هویت شخصی چون در جریان ساخته می شود، خود نوعی هویت اجتماعی است. وقتی افراد بر اساس رفتارها و کنش های خود باز خورد دریافت می کنند سبب می شود که هویت شخصی ثابت پیدا کنند.

وقتی کاغذ پاره می شود، همه معیارها، همه ارزش ها و خلاصه همه ادراک هایی که پرده امور واقعی را بافته بود ناپدید می شود. جز موج خیز عواطف بر جا نمی ماند. این فقدان خطوط دقیق حاکی از آن است که ما به وضعیتی خارق العاده و اساسی می رسیم که با آنکه دستیابی به آن برای انسان ممکن است، اما حتی از مذهب کهن تر است. این وضعیت باستانی، که بر همه نظریه پردازی های تفکر پیشی می جوید، همان بیان امر قدسی در انسان است تمامی مشکل انسان امروز در این است: چگونه آن را به تجربه در آوریم بی آنکه در نوعی تاریک اندیشی هذیانی فرو رویم؟ چگونه این بعد شبانه جان را از نو در معرفت روزینه علم جای دهیم؟ سؤال بزرگ این است. (شایگان، ۱۳۸۵)

زنان دفاع مقدس

می گویند، تاریخ را مردان رقم زدند. غافل از اینکه هویت یک زن زیربنای ساخت تاریخ است. هویت و هویت بخشی زنان در تمامی ادوار تعیین کننده و نقش اساسی در شکل گیری تمامی تشکلات است چرا که تحکیم بنای خانواده که کوچکترین جمع (گروه) اجتماعی است از هویت زن (مادر) خانواده قوام می یابد. بنابر این چنانچه هویت اصلی مادر، درست و با قدرت و درایت باشد، مسیر قدرت، شکوفایی شخصیت بخشی، موفقیت افراد منشل در خانواده بهتر و متداوم تر خواهد بود.

زنان اسطوره های سرزمین ما در دوران دفاع مقدس بودند، اسطوره های هویت سازی و هویت بخشی با همراهی و همدلی کردن برای رزمندگان و ترغیب و برانگیختگی آنان در ایثار و پاکبازی و مبارزه، آنان حتی با بدست گیری سلاح و مبارزه مسلحانه اقدام کردند که پابندی به اعتقادات و حمایت جوانان هویت تازه ای بیافرینند.

مادران و همسران در آن دوران با قناعت، همکاری، همراهی، همدردی خانواده ها و یاری یکدیگر زندگی جدیدی ساخته و با حمایت در پشت جبهه ها خود نوعی مبارزه ترتیب دادند.

ویژگی های تثبیت شده و هویت شکل گرفته زنان در دوران دفاع مقدس

وضعیت همسران شهداء برای بزرگ کردن فرزندانشان، مشکلات معیشتی، انتظارات طولانی همسران و مادران برای بازگشت اسراء و وفاداری آنان در تربیت فرزندان نشانه هایی از همگامی زنان با مردان است و کمتر از مبارزه در صحنه جنگ نیست.

در درجه اول یک هویت قوی صبر و استقامت در سختیها بود که در هویت زنان ایرانی قوی تر شد و تجلی یافت. پیروزی در دفاع مقدس حاصل تلاش گروه های گوناگونی بود از جمله زنانی که در پشت میدان با مایه ی صبر و عزمی راسخ با جان و دل پایداری می ورزیدند. به تصویر کشیدن رشادت ها، ایثار و از خود گذشتگی ها، پلاک ارزشمندی بود که مادران به فرزندان خود یادآوری و به هویت آنان تزریق می کردند.

پدیده جنگ هشت ساله بزرگترین رویداد کشور ما در طول دو دهه اخیر به حساب می آید. این جنگ با جوهره تدافعی و آزادی خواهانه، تأثیرات شگفت آوری در زندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ادبی و حتی شخصی و هویتی مردم داشته است. با توجه به اهمیت این برهه سرنوشت ساز در تاریخ فکری و فرهنگی این مملکت و تأثیر گذاری در هویت و شخصیت فرزندان بوده که توسط مادران نقش گرفته و از جمله صفات صبوری و رشادت و وفاراری و ایثار شکل پررنگ تری به هویت نسل بعد از انقلاب داده است.

هویت انسان

از جمله ویژگی های هویت برای تمامی افراد عبارتند از: اکتسابی، انتسابی، ثابت، متغیر، فردی، اجتماعی است.

ویژگی های انتسابی مانند: دختر یا پسر بودن، پسر دایی، دختر عمه، متولد تهران، سفید پوست یا سیاه پوست بودن، زشت یا زیبا بودن، آفریقایی تبار، چینی تبار، ایرانی و... که کسب شده هستند و انتخابی نمی باشند.

ویژگی هایی که در ایجاد آن موثر هستیم اکتسابی اند مانند: پدر، مادر خوش اخلاق، مهندس، معلم، کشاورز، بخشنده، خونگرم، تنبل، سر به هوا، امین، فهمیده، وراج، بی نظم، وقت شناس و ویژگی هایی که شخصی و متعلق به یک فرد است. ویژگی های فردی هستند مانند: مرد، زن، پسر، بچه، قد بلند، تپل، پزشک، قصاب، راستگو، مودب و...

ویژگی هایی که بدون حضور در اجتماع به دست نمی آید ویژگی های اجتماعی هستند مانند: ایرانی، روستایی، شهری، رئیس جمهور، فوتبالیست و...

ویژگی هایی که قابل تغییر نیستند را ویژگی های ثابت می گویند مانند: ایرانی الاصل بودن، متولد تیرماه بودن، سیاه پوست و ...

ویژگی هایی که قابلیت تغییر در موقعیت های مختلف را دارند ویژگی های متغیر هستند مانند: دانشجو، دانش آموز، زرنگ، کشاورز، مهربان، نماینده مجلس، رئیس جمهور، تاجر هویت به مثابه درک آدمی از خویشتن در رویکردهای ذات گرا، هویت معادل با یک ذات و یک جوهر است. «خود شناسی چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی. یعنی چه در سطح (من

شناسی) و چه در سطح (ما شناسی) به مسئله بغرنج هویت پیوند می‌خورد. پاسخ به مسئله هویت یعنی توضیح این مطلب که هویت از چه عناصری ساخته می‌شود. در طول تاریخ برای حل معمای چیستی هویت تلاش‌های فراوان صورت گرفته و به شماره تلاش‌های انجام شده، پاسخ به هویت داده شده است. مسلماً پاسخی که به مسئله هویت داده شده از دل یک دستگاه نظری و معرفتی بیرون آمده و حول محور یک روش شناسی مرتبط با هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی خاص سامان داده شده است.» (جمشیدی و کاظمی، ۱۳۹۴)

بازخوانی زندگی و رشادتهای شهیدان برای جوانان این مرز و بوم به لحاظ الگوسازی همواره مورد توجه بوده و هویتی جدید برای جوانان ساخت و در این هویت‌سازی، مادران، همسران، خواهران نقش بسزایی داشتند.

«در حال حاضر ترویج فرهنگ دفاع مقدس در سطح عمومی جامعه به عنوان دغدغه از سوی کسانی مورد توجه قرار دارد که دل در گروی آن دوران دارند و همواره با آن به حیات خود ادامه می‌دهند. این روند بیشتر، گذشته‌گرا است و همواره مدافعان آن را در هاله‌ای از تقدس و بسشتر در زمان گذشته گرفتار کرده است.» (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۶)

«یکی از مسائل ترویج دفاع مقدس در شرایط کنونی، گرایش و رجوع به الگوها و روش‌های غیر ارزشی فرهنگی و هنری برای تبلیغ فرهنگ دفاع مقدس با هدف ایجاد جاذبه برای مخاطبان می‌باشد که از منظر صاحب نظران به عنوان خطایی راهبردی مطرح گردیده است. مفهوم شهادت، امری هرمنوتیکال و ابعادین است و این وصف ویژه باعث شده که منشأ تفاسیر، قرائت‌ها تلقی‌ها و تاویل‌های متنوع و متعدد واقع شده و معروض کنکاش‌ها و پنداشت‌های گوناگون قرار گیرد. در مقابل آن استفاده از روش‌های مبتنی بر جهان بینی الهی، روش‌های علمی هوشمندانه و هدفمند در ترویج فرهنگ و جلوگیری از بد دفاع کردن از ارزش‌های دفاع مقدس و همچنین به روز رسانی مداوم تفکر دفاع مقدس از مهمترین اهداف در این زمینه می‌باشد. (همان، ۱۳۰)

لذا نقش زنان در فرهنگ‌سازی و هویت‌بخشی در این امر حائز اهمیت و توجه است. «عواملی از قبیل ایثار و از خود گذشتگی، کار زیاد، ادعای کم، خدمت شبانه روزی مدارا باهم نوع و مردم، عدالت خواهی، عدالت طلبی، از جان گذشتن و... نمونه‌های روشن کارکرد

فرهنگ دفاع مقدس است که ترویج آن در جامعه می تواند مردم ما را تعالی بخشد و جامعه را مصون سازد.» (همان، ۱۳۸)

هویت ایرانیان در هشت سال دفاع مقدس رنگ پررنگی از ایثار و صبر و تأثیر شگرفی در روحيات مقاومتی مردم داشت که سبب پیامدهای فرهنگی زیادی بود.

«یکی از مهمترین الزامات نگرشی در ترویج فرهنگ دفاع مقدس افزایش بصیرت عموم مردم به ویژه جوانان است. در این باره، دشمن شناسی، شناخت ظرفیت های خود و اعتقاد به نصرت الهی و توکل به خدا به عنوان ارکان آن اهمیت بنیادی دارد.» (همان، ۱۴۲)

«موضوع نظام تعلیم و تربیت و نقش آن در پرورش اجتماعی کودکان و نوجوانان مبتنی بر آموزه های دفاع مقدس {که با همراهی خانواده و بخصوص مادران نیز بوده} اهمیت بنیادی دارد. در این ارتباط نقش نظام تعلیم و تربیت در تبیین جایگاه والای شهید، شهادت، ایثارگری و... همچنین آشنایی کودک و نوجوان با هویت تاریخی و دینی مورد توجه قرار دارد.» (همان، ۱۴۳)

زنان اسطوره های سرزمین ما در دوران دفاع مقدس بودند اسطوره های هویت سازی و هویت بخشی با همراهی و همدلی کردن برای رزمندگان و ترغیب و برانگیختگی آنان در ایثار و پاکبازی و مبارزه، آنان حتی با بدست گیری سلاح و مبارزه مسلحانه اقدام کردند که پایبندی به اعتقادات و حمایت جوانان هویت تازه ای بیافرینند.

مادران و همسران در آن دوران با قناعت، همکاری، همراهی، همدردی با خانواده ها و یاری یکدیگر، زندگی جدیدی ساخته و با حمایت در پشت جبهه ها خود نوعی مبارزه ترتیب دادند.

نقش و تأثیر هویت در عصر جهانی شدن ساختار خانواده

«ساختارهای سنتی، بومی و ملی و بنیان های هویتی تمام جوامع بشری را با چالشی بزرگ مواجه ساخته است. این پدیده را می توان روندی انکار ناپذیر و از ویژگی های بارز جوامع بشری در سال های آغاز هزاره ی جدید به شمار آورد. پویایی فرآیند جهانی شدن و نا تمامی و نرسیدن آن به تکامل نهایی موجب شده که هنوز اندیشمندان نتوانند تعریف واحدی برای آن ارائه دهند. اما تأثیرات غیر قابل انکار جهانی شدن بر ابعاد متنوع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مورد اجماع نظریه پردازان است.

دگرگونی های خانواده، به عنوان کوچکترین واحد بنیادی جامعه، مورد توجه اندیشمندان قرار دارد و تغییرات این نهاد اجتماعی در دیگر بخش های نظام اجتماعی تأثیر می گذارد. بنابراین، شبکه ی پیچیده ای از روابط اجتماعی، بستر و زمینه ی بروز مناسبات افراد و نقش های آنان در چارچوب خانواده است. بر همین اساس، خانواده که نهادی اجتماعی است، تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن، تحولاتی را تجربه کرده که آن را در تعارض با خانواده ی سنتی قرار داده است. پاسخگویی به این پرسش که خانواده ی معاصر از جمله خانواده ی ایرانی، چه تغییراتی را در فرآیند جهانی شدن تجربه خواهد کرد و چه چالش ها و فرصت هایی برای آن ایجاد می شود، هدف اصلی این مطالعه است. (عنایت و موحد، ۱۳۸۳)

«جهانی شدن پدیده ای است چند بعدی که هریک از ابعاد آن می تواند بر خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی تأثیرگذار باشد. یکی از عمده ترین تأثیرات جهانی شدن در نهاد خانواده، دگرگونی نقش های سنتی و ثابت و از پیش تعیین شده ی اعضای خانواده است. نقش های محول بر مبنای ازدواج سنتی، که برای مرد نان آوری و حضور در فضای خارج از خانه و برای زن نقش های خانگی بود، دستخوش تغییر شده است. مرزهای تقسیم کار سنتی مبتنی بر جنسیت، با افزایش سطح آموزش زنان و حضور آنان در جایگاه های شغلی ای که در گذشته در انحصار مردان بود و در مقابل با افزایش مشارکت مردان در امور خانگی نظیر نگهداری از کودکان، به تدریج متزلزل می شود. آمارها نشان می دهد که در ابتدای هزاره ی جدید، برای نخستین بار، آمار زنان شاغل از مردان در جامعه ی انگلستان فزونی گرفته است. بدین سان حضور گسترده ی زنان شاغل در زندگی اجتماعی، تغییر و تنوع شکل های ازدواج در جوامع غربی تنزل جایگاه ازدواج در شکل سنتی آن، جایگزینی نقش های اکتسابی به جای نقش های محول برای زنان در فضای فرهنگی و کاهش تأثیر ازدواج در فرآیند هویت یابی فرد از جمله پیامدهای تغییر نقش در عرصه جهانی شدن است.» (همان، ۱۵۸)

این تغییرات تأثیر بسزایی در هویت زنان و هویت سازی آنان بعنوان یکی از مهمترین رکن های خانواده و سازنده شخصیت فرزندان و نسل آینده به شمار می رود.

از جمله ویژگی هایی که در عصر جهانی شدن در نهاد و هویت خانواده پدیدار شده، نقش و عامل اقتصادی بود. تصمیمات مهم در خانواده، مانند تصمیم برای فرزندآوری یک تصمیم

عاطفی محسوب شد تا اقتصادی. زیرا با گسترش بازار آزاد در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و در کشور ما با توجه به مشکلات اقتصادی بی شمار، فرزندآوری و داشتن فرزند یک هزینه اقتصادی بزرگ است که هویت خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در تصمیم‌گیری‌های خانواده بسیار مهم است و باعث می‌شود که خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی در فرآیند جهانی شده دچار تناقضات روز افزون شود. از یک سو ضرورت مشارکت زنان در خانواده و در سوی دیگر تمایلات مادر بودن و بچه دار شدن در هویت اجتماعی زنان تأثیر داشته و این دو در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند.

« نهاد خانواده در ایران نیز در دو دهه ی اخیر دستخوش دگرگونی های زیادی شده است که این تغسیرات به خصوص در مورد زنان و نقش و جایگاه اجتماعی آنان قابل توجه است، یکی از عمده ترین موارد دگرگونی در میران تحصیلات زنان مشاهده می‌شود. همچنین مشارکت سیاسی / اجتماعی زنان در عرصه ی مدیریت دستگاه‌های دولتی و سازمان‌های غیر دولتی و میزان مشارکت فرهنگس زنان در زمینه ی تالیف رشد داشته است. میزان اشتغال زنان یکی از شاخص های مشارکت اجتماعی است که نوسانات زیادی داشته است.» (همان، ۱۶۱)

«یکی از پیامدهای آسیب شناختی فرآیند جهانی شدن پدیده است که شاید بتوان از آن با عنوان بحران هویت در خانواده یاد کرده، زیرا ارزش های حاکم بر خانواده دچار تغییراتی اساسی شده است. در عین حال با تنوع یافتن عوامل جامعه پذیری و به وجود آمدن نوعی آزادی در شکل دادن به هویت، در کنار فقدان مدیریت لازم در فرآیند شکل گیری هویت، جانشینی برای ارزش های خانوادگی تضعیف شده ارائه نشده است. در این میان، عوامل جبری خارج از اختیار افراد مانند رسانه ها در فرآیند تکوین هویت نقشی حیاتی ایفا می‌کنند و نوعی بی‌اختیاری جانشین سنت می‌شود. در نهایت می‌توان گفت که جهانی شدن در عین حال که فرصت‌هایی را برای از بین بردن پدر سالاری و افزایش حقوق زنان ایجاد کرده است، چالش‌هایی را نیز در زمینه ی هویت و ساختار روابط خانوادگی پیش روی جوامع قرار داده است.» (همان ۱۶۴-۱۶۵)

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه هویت‌سازی زنان در تمامی عرصه‌ها جلوه می‌کند و مورد توجه است چه خواسته، چه ناخواسته نقش زنان و هویت آنان می‌تواند هویت‌ساز فرهنگی، اجتماعی، دینی، سیاسی و... در جامعه باشد و بستر فرهنگ‌ساز و شخصیت‌پرداز و تأثیرگذار در جامعه خواهد بود. در دوران دفاع مقدس حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف خط بطلان بر اندیشه‌های ارتجاعی کشید و مشارکت زنان در اجتماع در واقع نیازمند درکی نواز واقعیت‌های موجود است که سبب‌ساز هویتی جدید خواهد شد. با همه همراهی‌ها و بازبودن فضا برای رشد اجتماعی هنوز به رسیدن به مطلوب واقعی فاصله‌هایی وجود دارد که لازمه آن هموار شدن تمامی مسیرها در توسعه و آگاهی‌فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی،... برای زنان این سرزمین خواهد بود.

فهرست منابع

- ایزدی، مصطفی؛ پیری، هادی مراد؛ حاتمی، حمیدرضا؛ سهرابی، حسین (۱۳۹۶). ترویج فرهنگ دفاع مقدس، آسیب شناسی، ارائه مدل و راهکارها، سیاست دفاعی، ۲۶(۹۹)، ۱۱۹-۱۵۲.
- جمشیدی، محسن؛ کاظمی، احسان (۱۳۹۴). هویت، سیاست و زیست جهان، راهبرد، ۲۴(۷۵)، ۸۵-۱۰۹.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۵). زیر آسمان های جهان، مجموعه گفتگو با رامین جهانگلو، ترجمه نازی عظیمیا، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- طغرانگار، حسن (۱۳۹۸). حقوق سیاسی اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، چ ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عنایت، حلیمه؛ موحد، مجید (۱۳۸۳). زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن، زن در توسعه و سیاست، ۲(۲)، ۱۵۳-۱۶۶.